

فصلنامه علمی تخصصی اسلام پژوهان
سال هشتم، شماره بیستم، زمستان ۱۴۰۰

مقایسه تطبیقی بین مفاهیم مرتبط با «رشد» در اسلام و روان‌شناسی

ادریس عظیمیا

چکیده

از عمده مسائل دانش‌های جدید، بحث معادل‌یابی دقیق از متون دینی جهت تحقیقات بعدی است؛ در علم روان‌شناسی نیز واژه‌های بسیاری وجود دارد که از جمله آن عبارت «Developmental Psychology» است که اکنون از آن تعبیر به روان‌شناسی رشد می‌شود؛ با مطالعه پیرامون واژه‌های همسان این عبارت میزان گویایی هر یک از واژگان را با توجه به ۴ بعد رشد مورد ارزیابی قرار دادیم تا نزدیک بودن به معنای مقصود را به دست آوریم؛ از سوی دیگر داشتن معنای غیر رشدی سبب می‌شود تا معادل قرار دادن در برابر این عبارت مورد نقص واقع شود همچنان‌که دربرگیری صرف معنای مثبت برای واژه آن را از معنای Developmental که صرفاً ناظر به این معنا نیست، دور می‌سازد؛ با این وصف دو واژه «زیادت» و «تحوّل» می‌توانند معادل مناسبی برای این عبارت واقع شوند.

واژه‌های کلیدی: روان‌شناسی رشد، رشد، روان‌شناسی تحوّل، معادل‌یابی.

مقدمه

آنچه که در مباحث روان‌شناسی تعبیر به «رشد» می‌شود و شاخه‌ای از روان‌شناسی را تحت عنوان «روان‌شناسی رشد» به خود اختصاص می‌دهد، بازگردان عبارت انگلیسی «Developmental Psychology» می‌باشد؛ و آنچه که تاکنون در باب مقایسه مفهوم «رشد» در اسلام و روان‌شناسی گفته شده است، ناظر به معنی «رشد» در این دو حیطه است، و بیشتر حالت انفکاک‌ی دارد و عمدتاً برای معنایابی در مطالعات اسلامی کاربرد خاصی را در زمینه روان‌شناسی به دست نمی‌دهد؛ لذا آنچه که در این میان بسیار مهم می‌نماید بازخوانی و توجه به واژه «Developmental» است تا معادل دقیق آن در زبان فارسی و همچنین متون دینی به دست آید. تا تحقیقات متن‌محور دینی دستخوش پیشین‌انگاشتی اشتباه در مورد این واژه نگردد. از این روی ابتدا باید سراغ فرهنگ‌های تخصصی روان‌شناسی و سپس کتب روان‌شناسی رشد رفت تا اولاً تعریف شرح‌الاسمی این واژه به دست آید و ثانیاً معنی کاربردی آن مورد مذاقه قرار گیرد.

برخی فرهنگ‌های جامع روان‌شناسی، «Development» را این‌چنین توصیف کرده‌اند: «به رشد یا تغییر در اعضا، عمل و کنش، و سازمان گفته می‌شود که متضمن افزایش حجم یا تخصص (تنوع) یا پیچیدگی یا کفایت و یا میزان نضج است. این لفظ به معنای اعم برای دلالت بر نضج به کار می‌رود، لیکن مترادف آن نیست.

اصطلاح «رشد و تکامل» گاهی شامل تغییرات دائمی است که در نتیجه یادگیری طولانی خواه عمدی یا غیر عمدی پیدا می‌شوند.

همچنین گاهی این اصطلاح را مترادف اصطلاح «نمو» (growth) به کار می‌برند در صورتی که لفظ اخیر غالباً به سلسله تغییرات عضوی گفته می‌شود به

طوری که موجود زنده را برای سازگاری با اوضاع تازه قادر می‌سازد. بنابراین لفظ «رشد و تکامل» عمومی است و «نمو» را نیز شامل می‌شود.^۱ از سوی دیگر در این پژوهش با متغیر آموزه‌های دینی مواجه هستیم؛ و آن‌چه که مسلم است تنها از میان آموزه‌های دینی تنها به گزاره‌های گفتاری قرآن و اهل بیت اکتفا نخواهد شد و برخی پرسش‌هایی که در آن از معصوم پرسیده شده و ایشان هم بدون ایرادگیری از سائل، پاسخ فرموده‌اند، می‌تواند راهگشا باشد. همچنان که برخی نقل سیره و افعال معصومین علیهم‌السلام هم در صورت عدم فاصله نقل از عصر حضور می‌تواند راهگشا باشد.

البته باید مورد توجه قرار داد که در این میان ممکن است واژه دقیق معادل از متون دینی به دست نیاید ولی کلماتی باشد که گویای معنایی اعم یا اخص از Development باشد که این کلمات با ترسیم شبکه معنایی و تشکیل خانواده حدیث می‌تواند شمایی از آن واژه را به دست دهد.

یکی از ابعادی که در این پژوهش باید مورد ارزیابی قرار گیرد مفهوم «رشد» در آموزه‌های دینی و کشف مؤلفه‌های آن از این منظر است تا نسبت «رشد» ملحوظ در ادبیات دینی با مفهوم «رشد» ملحوظ در روانشناسی به دست آید. و سعی می‌شود تا با رویکرد کمی-کیفی مورد ارزیابی قرار گیرد.

مفاهیم همسان Development

همان‌طور که گفته شد برای کشف معنی این واژه ابتدا باید سراغ فرهنگ واژگان روان‌شناسی رفت که عمده فرهنگ‌ها از آن تعبیر به «رشد» کرده‌اند و اینچنین توضیح داده‌اند «۱. پیشرفت تغییرات مستمر در ارگانیسم از تولد تا مرگ. ۲. معادل بالیدن. ۳. تغییرات در ترکیب و شکل‌دهی به اجزای بدن در عمل‌کردهای اجزای مختلف بدن. ۴. رسائی و ظهور الگوهای اساسی رفتار تکوینی».^۲

۱. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، ص ۱۶۷.

۲. نیکزاد، محمود، ص ۲۷۹.



شعاری نژاد در تعریف روان‌شناسی رشد این چنین می‌آورد: «تغییرات رشدی رفتار را مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌دهد و به بررسی همانندی‌ها و ناهمانندی‌های رفتاری که در طول رشد و نمو پیدا می‌شوند می‌پردازد»^۱ و یا برخی سعی در یک تعریف جامع برآمده، گفته‌اند «رشد عبارت است از تغییرات کمی و کیفی نسبتاً پایدار، مستمر و فراگیر در قابلیت‌ها، ساخت و رفتار انسان که تحت تأثیر نضج و تعامل آن با محیط، در قالب الگویی منظم و منسجم صورت می‌پذیرد و مستلزم وحدت پیچیدگی کنش‌ها می‌باشد»^۲.

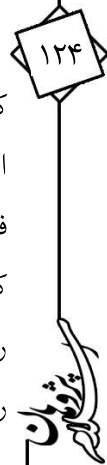
شاید تعریفی که در پیشبرد تحقیق می‌تواند کمک‌یار ما باشد، تعریفی است که از روان‌شناسی رشد به ما ارائه می‌دهد که طبق آن روان‌شناسی رشد «علمی است که جریان تحولات و تغییرات جسمی، ذهنی، عاطفی و عملکرد اجتماعی فرد را در طول عمر - از لحظه لقاح تا زمان مرگ - مطالعه می‌کند»^۳ با این تعریف که تعریف به تقسیم است ما می‌توانیم میزان تحمل واژگان معادل Development را در چهار عرصه مورد ارزیابی قرار دهیم. طبق این تعریف می‌توان چهار بعد رشد را که شامل فیزیکی، هیجانی، شناختی و اجتماعی می‌شود، مد نظر قرار داد. از سوی دیگر از فرهنگ‌های عربی - انگلیسی می‌توان معادل این واژه را جست و جو کرد که کلماتی از قبیل کلمات زیر را به دست می‌دهد: رشد، تحول، نمو، تطور، ازدهار، ، انتاج، ربو، زیادت، نضج، نشوء، نبات، بلغ (رسش)، تکون، تکامل.

حال با زیر نظر قرار دادن هر یک از این واژگان در متون دینی، می‌توان گویاترین واژه برای Developmental Psychology ارائه داد و یا چند واژه که هر یک بخشی از این منشور را نمایش می‌دهد، به دست آورد.

۱. شعاری نژاد، علی اکبر، ص ۳۳.

۲. مصباح، علی و دیگران، ص ۷۸.

۳. سیف، سوسن.





مفهوم «رشد» در بستر آموزه‌های دینی

از آن‌جایی که در علم روانشناسی، واژه «رشد» به عنوان ترجمه واژه Development عنوان شده است، لذا واژه «رشد» می‌تواند در تحقیقات دینی ما نیز رهنمون باشد، بنابراین باید واژه «رشد» در بستر آموزه‌های دینی نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

شهید مطهری در تعریف واژه «رشد» اینچنین بیان می‌دارد: «اگر بخواهیم کلمه «رشد» را به مفهوم عامّ خودش که شامل همه انواع رشدها در همه موارد بشود تعریف کنیم باید بگوییم: رشد یعنی «اینکه انسان شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره‌برداری یکی از سرمایه‌ها و امکانات مادی و یا معنوی که به او سپرده می‌شود داشته باشد» یعنی اگر انسان در هر ناحیه از نواحی زندگی که حکم یک شأن و وسیله‌ای را دارد، شایستگی اداره و نگهداری و بهره‌برداری از آن را داشته باشد، چنین شخصی در آن کار و در آن شأن «رشد» است؛ حال آن چیز هر چه می‌خواهد باشد، همه آن چیزها و اشیائی که وسائل و سرمایه‌های زندگی هستند.^۱ و سپس رشد ملی، رشد فردی و اخلاقی و رشد در عبادت را از اقسام آن ذکر می‌کند.

۱. مطهری، مرتضی، ج ۳، ص ۳۱۴.

برخی نیز نتیجه را در تعریف این واژه لحاظ کرده و گفته‌اند: «تحلیل مفهوم «رشد» نشان می‌دهد که این مفهوم به معنای نائل شدن به حق و حقیقت (مقام یقین) - به‌ویژه در برابر پروردگار - و پایداری در این راه است»^۱. همان‌طور که ملاحظه می‌شود «رشد» در معارف اسلامی مفهومی متفاوت از «رشد» در روانشناسی دارد؛ چراکه «رشد» در بستر روانشناسی به معنی «تغییر و تحول انسان از لحظه لقاح تا مرگ»^۲ است که چهار نوع رشد فیزیکی، شناختی، اجتماعی و هیجانی را در بر می‌گیرد ولی در بستر معارف اسلامی «شایستگی بهره‌برداری از سرمایه‌ها» است.

۱۲۶

البته علامه طباطبایی در تبیین معنای «رشد» دو تعبیر پیش گفته را جمع می‌کند و اینچنین بیان می‌دارد: «کلمه «رشد» که هم با ضمه «راء» و هم با ضمه «راء و شین» خوانده می‌شود به معنای رسیدن به واقع مطلب و حقیقت امر و وسط طریق است، مقابل «رشد» کلمه «غی» قرار دارد، که عکس آن را معنا می‌دهد، بنابراین «رشد» و «غی» اعم از هدایت و ضلالت هستند، برای اینکه هدایت به معنای رسیدن به راهی است که آدمی را به هدف می‌رساند، و ضلالت هم (بطوری که گفته شده) نرسیدن به چنین راه است ولی ظاهراً استعمال کلمه «رشد» در رسیدن به راه اصلی و وسط آن از باب انطباق بر مصداق است. ساده‌تر بگوییم: یکی از مصادیق رشد و یا لازمه معنای رشد، رسیدن به چنین راهی است، چون گفتیم رشد به معنای رسیدن به وجه امر و واقع مطلب است و معلوم است که رسیدن به واقع امر، منوط بر این است که راه راست و وسط طریق را پیدا کرده باشد، پس رسیدن به راه، یکی از مصادیق وجه الامر است.

۱. وجدانی، فاطمه، ص ۳۲.

۲. رایس، فیلیپ، ص ۵۰.

پس حق این است که کلمه «رشد» معنایی دارد و کلمه «هدایت» معنایی دیگر، الا اینکه با اعمال عنایتی خاص به یکدیگر منطبق می‌شوند، و این معنا واضح است و در آیات زیر کاملاً به چشم می‌خورد: «فإن أنستم منهم رشداً و لقد آتینا إبراهيم رشده من قبل»^۱.

با این بیان مفهوم رشد در بستر آموزه‌های اسلامی و روانشناسی به یکدیگر نزدیک می‌شوند چراکه رسیدن به هر مرحله از زندگی به عنوان رشد مطرح می‌شود و هرچند این بیان بصورت مطلق بیان شده است ولی این بیان مشیر به آن است که تنها رشد شناختی را دربرمی‌گیرد.

اما با بازگشت به لغت‌نامه‌های عربی مفهوم هدایت‌یافتگی را می‌توان از کلمه رشد برداشت کرد. همانطور که مرحوم مصطفوی ذیل این واژه این معنا را جامع همه معانی ملحوظ در رشد دانسته، می‌گوید: «أن الأصل الواحد فی هذه المادة: هو الإهداء إلى الخیر و الصلاح - كما سبق فی - دلّ. فالهداية ضدّ الضلالة، كما أن الرشد ضدّ الغیّ، و هو الانهماک فی الفساد»^۲. به عبارتی ایشان اصل این ماده تنها یکی می‌داند و آن هدایت‌یافتگی به سمت صلاح است.

در هر صورت واژه «رشد» به تنهایی نمی‌تواند بار معنایی Development را در علم روان‌شناسی متحمل بشود.

بررسی واژگان معادل‌نمای Development در آموزه‌های دینی رشد

با نگاهی به گزاره‌های قرآنی و روایی می‌توان مفهومی جامع از این واژه به دست آورد؛ آنچه که در ادبیات قرآنی مشهود است هدایت، صلاح، نجات کمال از معانی ملحوظ در این واژه است؛ به عنوان مثال در آیه شریفه «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ

۱. طباطبایی، محمدحسین، ج ۲، ص ۵۲۳.

۲. مصطفوی، حسن، ج ۴، ص ۱۴۰.



یَرشُدُونَ»^۱ رشد به معنی هدایت یافتگی است. یا در آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^۲ به معنی صلاح است و در آیه «قُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنَّ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا»^۳ واژه نجات می‌تواند معنی این واژه را تأمین کند؛ که این موارد را شاید بتوان به «رشد شناختی» حمل کرد که در این میان آیه شریفه «قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا»^۴ از وضوح بیشتری برای نمایاندن مفهوم رشد شناختی برخوردار است؛ همچنین در مورد آیه شریفه «وَأَبْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»^۵ که در مورد قابلیت فرد جهت ازدواج به کار رفته است بیشتر نمایانگر «رشد اجتماعی» فرد است. در هر صورت در میان آیات قرآن رشد تنها در دو جنبه «رشد شناختی» و «رشد اجتماعی» به کار رفته است. اما در برخی از روایات نیز با این واژه مواجه هستیم؛ که هریک گویای بخشی از رشد هستند:

۱- رشد شناختی: در میان احادیث نیز رشد شناختی مشهودترین معنی این واژه می‌باشد؛ همچون روایات ذیل از امیرالمؤمنین علیه السلام:

الْفِكْرُ رُشْدٌ الْعَقْلَةُ فَقَدْ / الْفِكْرُ يَهْدِي إِلَى الرَّشَادِ / الْفِكْرُ يَهْدِي إِلَى الرَّشْدِ / كَفَى بِالْفِكْرِ رُشْدًا / لَا رُشْدَ كَالْفِكْرِ.^۶

از جمله روایاتی که در آن «رشد» به معنی رشد شناختی به کار رفته است می‌توان به روایات ذیل اشاره کرد:

۱. بقره/۱۸۶.

۲. بقره/۲۵۶.

۳. کهف/۲۴.

۴. کهف/۶۶.

۵. نساء/۶.

۶. غررالحکم و درر الکلم.

«عَنْهُ عَنِ الْجَامُورَانِيَّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَ يَمْنٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ فَإِذَا أَشَارَ عَلَيْكَ النَّاصِحُ الْعَاقِلُ فَأَيَّاكَ وَ الْخِلَافَ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْعَطْبَ»^۱

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْقُرْآنُ هُدًى مِنَ الضَّلَالَةِ» (۱)، وَ تَبَيَّنَ مِنَ الْعَمَى، وَ اسْتَقَالَةَ (۲) مِنَ الْعَثْرَةِ، وَ نُورٌ مِنَ الظُّلْمَةِ، وَ ضِيَاءٌ مِنَ الْأَحْدَاثِ (۳)، وَ عَصْمَةٌ مِنَ الْهَلَكَةِ، وَ رُشْدٌ مِنَ الْغَوَايَةِ»^۲

«عَلَيْكَ بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ رُشْدٌ مِنَ الضَّلَالِ وَ مُصْلِحٌ الْأَعْمَالِ»^۳

۲- رشد اجتماعی:

وَ أَرَوَى عَنِ الْعَالِمِ لَا يَتَمَّ بَعْدَ احْتِلَامٍ فَإِذَا احْتَلَمَ امْتَحَنَ فِي أَمْرِ الصَّغِيرِ وَ الْوَسِيطِ وَ الْكَبِيرِ فَإِنْ أُونَسَ مِنْهُ رُشْدٌ دَفِعَ إِلَيْهِ مَالُهُ وَ إِلَّا كَانَ عَلَى حَالَتِهِ إِلَى أَنْ يُونَسَ مِنْهُ الرُّشْدُ»^۴

۳- رشد فیزیکی:

در برخی روایات «رشد» گویای یک جایگاه بینابینی و دوگانه از رشد است؛

در روایتی از امام صادق اینچنین آمده است:

«تفسير العياشي عن ابن سنان قال: قلت لأبي عبد الله ع متى يدفع إلي الغلام ماله قال إذا بلغ و أونس منه رشد و لم يكن سفيهاً أو ضعيفاً قال قلت فإن منهم من يبلغ خمس عشرة سنة و ست عشرة سنة و لم يبلغ قال إذا بلغ ثلاث عشرة سنة جاز أمره إلا أن يكون سفيهاً أو ضعيفاً قال قلت و ما السفيهُ و الضعيفُ قال السفيهُ شارب الخمر و الضعيفُ السدى يأخذُ واحداً بائنين»^۵

۱. برقی؛ ج ۲؛ ص ۶۰۲.

۲. الكافي (ط - دارالحدیث)؛ ج ۴؛ ص ۵۹۹.

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۵۷.

۴. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا(ع)؛ ص ۳۳۲.

۵. بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۱۰۰؛ ص ۱۶۴.



از آنجایی که در این روایت «رشد» از یک سو در مقابل سفیه قرار گرفته، گویای رشد اجتماعی است و از آنجایی که در مقابل ضعیف قرار گرفته است، و با سن فرد بیان می‌گردد، گویای رشد فیزیکی می‌باشد و همچنین در روایت زیر گویای دو بعد شناختی و فیزیکی می‌باشد.

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى [عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى] عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ هِشَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: انْقَطَعَ يَتِيمٌ بِالْإِحْتِلَامِ وَهُوَ أَشَدُّ وَ إِنِ احْتَلَمَ وَ لَمْ يُؤْنَسْ مِنْهُ رُشِدٌ وَ كَانَ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا فَلْيَمْسِكْ عَنْهُ وَ لِيَهُ مَالَهُ.^۱

اما این واژه هیچگاه بصورت مستقل مبین رشد فیزیکی یا هیجانی نبوده است. در این میان روایتی از تحف العقول تا میزانی می‌تواند راهگشای دایره معنایی این واژه در ادبیات دینی باشد:

«وَأَمَّا الرُّشْدُ فَيَتَشَعَّبُ مِنْهُ السَّدَادُ وَ الْهُدَى (۴) وَ الْبِرُّ وَ التَّقْوَى وَ الْمَنَالَةُ وَ الْقُصْدُ وَ الْإِقْتِسَادُ وَ الصَّوَابُ وَ الْكِرْمُ وَ الْمَعْرِفَةُ بِدِينِ اللَّهِ فَهَذَا مَا أَصَابَ الْعَاقِلُ بِالرُّشْدِ فَطُوبَى لِمَنْ أَقَامَ بِهِ عَلَى مِنْهَاجِ الطَّرِيقِ».^۲

همان‌طور که ملاحظه می‌شود این روایت آثار رشد را در ده چیز بیان می‌دارد که واژه «سداد» در بردارنده رشد فیزیکی و اجتماعی و هیجانی فرد است، و «هدی» گویای رشد شناختی فرد است؛ واژگان «بر» و «تقوی» ناظر به رشد هیجانی فرد است

نمو

از جمله واژگانی که به عنوان معادل برای واژه Development گفته شده، نمو است، حال با رجوع به متون دینی و فرهنگ‌ها می‌توان به گونه و بعد روانشناسی رشد که این واژه گویای آن است، دست یافت.

۱. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۷؛ ص ۶۸.

۲. تحف العقول / ص ۱۷.



فرهنگ واژگان عربی زیادت را عنصر اساسی این واژه بیان می‌دارند؛ این منظور این واژه را از ماده «نمو» دانسته و در معنی مصدری نما، زیادت و کثرت را معنی آن بیان می‌کند. در زیر به به برخی روایاتی که در آن این واژه در ارتباط با رشد انسان ذکر شده است، اشاره می‌شود:

لَمْ صَارَتْ أَبْدَانُ الْحَيَوَانَ وَ هِيَ تَغْتَذِي أَبَدًا لَا تَنْمِي بَلْ تَنْتَهِي إِلَى غَايَةٍ مِنَ النُّمُوِّ ثُمَّ تَقْفُ وَ لَا تَتَجَاوَزُهَا لَوْ لَا التَّدْبِيرُ فِي ذَلِكَ فَإِنَّ تَدْبِيرَ الْحَكِيمِ فِيهَا أَنْ تَكُونَ أَبْدَانُ كُلِّ صِنْفٍ مِنْهَا عَلَى مَقْدَارٍ مَعْلُومٍ غَيْرِ مُتَفَاوِتٍ فِي الْكَبِيرِ وَ الصَّغِيرِ وَ صَارَتْ تَنْمِي حَتَّى تَصِلَ إِلَى غَايَتِهَا ثُمَّ تَقْفُ ثُمَّ لَا تَزِيدُ وَ الْغِذَاءُ مَعَ ذَلِكَ دَائِمٌ لَا يَنْقَطِعُ وَ لَوْ تَنْمِي نُمُوًّا دَائِمًا لَعُظِّمَتْ أَبْدَانُهَا وَ اشْتَبَهَتْ مَقَادِيرُهَا «١» حَتَّى لَا يَكُونَ لَشَيْءٍ مِنْهَا حَدٌّ يُعْرَفُ¹ تفکر کن که چرا بدنهای حیوانات با وجود غذا خوردن دائمی همیشه نمو نمی‌کند، بلکه به حدی از بزرگی که رسیدند به همان حد می‌مانند و بزرگ‌تر نمی‌شوند برای آن که مصلحت در هر یک از اصناف حیوان و انواع ایشان است که به حدی از بلندی و ضخامت بوده باشد تا به یک دیگر مشتبه نشوند و آن مصالحی که از برای ایشان آفریده شده از ایشان فوت نشود. اگر پیوسته در نمو بودند آن مصالح فوت می‌شد لهذا به آن حد که رسیدند با وجود خوردن غذا نمو نمی‌کنند چرا بدن آدمی به خصوص از میان سایر حیوانات مانده می‌شود از حرکتها و راه رفتن و دشوار است بر او صنعت‌های لطیف مگر برای آن که مئونه عظیم باشد در آنچه مردم به آن محتاجند برای پوشیدن و رخت خواب و کفن کردن و اشباه اینها قوتی به هم رسد و احوال منتظم گردد.

«فِي هَذَا الْمَقْدَارِ مِنْ دَوْرَانِ الشَّمْسِ تُدْرِكُ الْغَلَاتُ وَالشَّامِرُ وَتَنْتَهِي إِلَى غَايَاتِهِمْ ثُمَّ تَعُودُ فَيَسْتَأْنِفُ النُّشُوءَ وَالنُّمُو»^۱ در این مقدار از حرکت آفتاب غلّه‌ها و میوه‌ها می‌رسد و کارشان تمام می‌شود و باز در سال دیگر نشو و نما از سر می‌گیرند.

«امدّدنی بِنُموِّ الْأَمْوَالِ»^۲.

«وَحَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: ... قَوْلُهُ وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ ظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ قَالَ بِالْعَشِيِّ قَالَ ظِلُّ الْمُؤْمِنِ يَسْجُدُ طَوْعًا وَ ظِلُّ الْكَافِرِ يَسْجُدُ كَرْهًا وَ هُوَ نُمُوهُمْ وَ حَرَكَتُهُمْ وَ زِيَادَتُهُمْ وَ نَقْصَانُهُمْ»^۳.

«الْعَلَلُ، لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: بُكَاءُ السَّمَاءِ أَحْمَرُهَا مِنْ غَيْرِ غَيْمٍ وَ بُكَاءُ الْأَرْضِ زَلْزَلُهَا»^۱ و تَسْبِيحُ الشَّجَرِ حَرَكَتُهَا مِنْ غَيْرِ رِيحٍ وَ تَسْبِيحُ الْبِحَارِ زِيَادَتُهَا وَ نَقْصَانُهَا وَ تَسْبِيحُ الشَّجَرِ نُمُوهُ وَ نَشُوءُهُ وَ قَالَ أَيْضًا ظَلَّهُ يَسْبِحُ اللَّهُ».

آنچه از متون دینی بر می‌آید واژه «نمو» در مورد زندگی نباتی و رشد فیزیکی به کار می‌رود و سه بعد دیگر روانشناسی رشد را شامل نمی‌گردد.

نشوء

نشوء یکی دیگر از واژگان معادل‌نما برای واژه Development است، که در متون دینی در موارد زیادی با واژه «نمو» همراه آمده است؛ به عنوان مثال در حدیث امام صادق ع به مفضل سه واژه معادل‌نما مشاهده می‌شود:

«قَالَ الْمُفْضَلُ فَقُلْتُ صَفُّ نَشُوءِ الْأَبْدَانِ وَ نُمُوهَا حَالًا بَعْدَ حَالٍ حَتَّى تَبْلُغَ التَّمَامَ وَ الْكَمَالَ قَالَ عَ أَوَّلُ ذَلِكَ تَصْوِيرُ الْجَنِينِ فِي الرَّحِمِ حَيْثُ لَا تَرَاهُ عَيْنٌ وَ لَا تَنَالُهُ يَدٌ وَ يَدْبِرُهُ حَتَّى يَخْرُجَ سَوِيًّا مُسْتَوْفِيًّا جَمِيعَ مَا فِيهِ قَوْمَهُ وَ صَلَاحَهُ مِنَ الْأَحْشَاءِ وَ الْجَوَارِحِ وَ الْعَوَامِلِ إِلَى مَا فِي تَرْكِيبِ أَعْضَائِهِ مِنَ الْعِظَامِ وَ اللَّحْمِ وَ الشَّحْمِ وَ الْعَصَبِ وَ الْمُخِّ وَ الْعُرُوقِ وَ

۱. توحید المفضل؛ ص ۱۳۰.

۲. مهج الدعوات و منهج العبادات؛ ص ۲۶۱.

۳. بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۹؛ ص ۲۱۵.

الْغَضَارِيفِ «۱» فَإِذَا خَرَجَ إِلَى الْعَالَمِ تَرَاهُ كَيْفَ يَنْمُو بِجَمِيعِ أَعْضَائِهِ وَهُوَ ثَابِتٌ عَلَى شَكْلٍ وَ هَيْئَةٍ لَا تَتَزَايِدُ وَلَا تَنْقُصُ إِلَى أَنْ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ إِنْ مَدَّ فِي عُمُرِهِ أَوْ يَسْتَوْفِي مَدَّتَهُ قَبْلَ ذَلِكَ هَلْ هَذَا إِلَّا مِنْ لَطِيفِ التَّدْبِيرِ وَالْحِكْمَةِ»^۱.

و قال الصادق عليه السلام: «إذا كتبت و علقته على حامل حفظت الجنين، و إذا سقى منها

الولد ذكاه و سلمه الله تعالى، و نشأ أحسن نشوء بإذن الله تعالى»^۲.

«و كَذَلِكَ سَمِّنَاهُ لَطِيفًا لَعَلَّمَهُ بِالشَّيْءِ اللّطِيفِ مِثْلَ البُعُوضَةِ وَ أَخْفَى مِنْ ذَلِكَ وَ مَوْضِعَ النُّشُوءِ مِنْهَا وَ العَقْلَ وَ الشَّهْوَةَ لِلسَّفَادِ وَ الحَدْبَ عَلَى نَسْلِهَا «۱» وَ إِقَامَ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ وَ نَقَلَهَا الطَّعَامَ وَ الشَّرَابَ إِلَى أَوْلَادِهَا فِي الجِبَالِ وَ المَفَاوِزِ وَ الأَوْدِيَةِ وَ القَفَارِ»^۳.

«فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ نُشُوءُ الفَرْخِ فِي تِلْكَ القِشْرَةِ المُسْتَحْصَنَةِ الَّتِي لَهَا مَسَاغٌ لِشَيْءٍ إِلَيْهَا لَجَعَلَ مَعَهُ فِي جَوْفِهَا مِنَ الغِذَاءِ مَا يَكْتَفِي بِهِ إِلَى وَقْتِ خُرُوجِهِ مِنْهَا»^۴.

«مَا فِيهِ بَقَاؤُهُ اسْتَدَلَّ بِالقَمَرِ فِيهِ دَلَالَةٌ جَلِيلَةٌ تَسْتَعْمَلُهَا العَامَّةُ فِي مَعْرِفَةِ الشُّهُورِ وَ لَا يَقُومُ عَلَيْهِ حِسَابُ السَّنَةِ لِأَنَّ دَوْرَهُ لَا يَسْتَوْفِي الأَزْمَنَةَ الأَرْبَعَةَ وَ نُشُوءَ الثَّمَارِ وَ تَصَرُّمَهَا وَ لِذَلِكَ صَارَتْ شُهُورُ القَمَرِ وَ سِنُوهُ تَتَخَلَّفُ عَنِ شُهُورِ الشَّمْسِ وَ سِنِيهَا وَ صَارَ الشَّهْرُ مِنْ شُهُورِ القَمَرِ»^۵.

آنچه که متون دینی در مورد نشوء ناظر به آن است، همچون واژه «نمو»

بازگویی رشد فیزیکی فرد است.

بلوغ

بلوغ از دیگر واژگان مربوط به این رشته از روان‌شناسی است. که شاید این

کلمه را بتوان معادل «رسش» در فارسی دانست یعنی فرد با بزرگتر شدن عضلات

۱. توحید مفضل.

۲. البرهان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵؛ ص ۴۶۷.

۳. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۱؛ ص ۱۱۷.

۴. بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۳؛ ص ۱۰۴.

۵. بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۳؛ ص ۱۱۳.

و سیستم عصبی توان انجام یک کار را پیدا می‌کند. و این نوع نگرش شاید رهزن به این مطلب باشد که این واژه مربوط به «رشد فیزیکی» باشد؛ ولی با این وجود باید سراغ گزاره‌ها رفت تا صحت این پیش‌انگاشت را کشف کرد:

نمونه‌ای از آیاتی که گویای رشد است، آیه ۴۰ سوره آل‌عمران است: «قَالَ رَبُّنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» که این آیه توان تحمل هر چهار بعد از رشد را داراست. و با فرضیه‌ای که در این مورد داشتیم معارض است. البته باید توجه داشت که این واژه مسیر رشد را نمی‌تواند بازگو کند و تنها لحظه شدن را بازگو می‌کند و از این جهت نمی‌تواند بیانگر معنی Development نمی‌باشد. همچنان که روایت پیش‌گفته نیز این معنا را بازگو می‌کند. هرچند این روایت با توجه به سیاق پرسش مفضل جانب رشد فیزیکی را بیان می‌دارد.

۱۳۴

«قَالَ الْمَفْضَلُ فَقُلْتُ صَفُ نُشُوءِ الْأَبْدَانِ وَنُمُوهَا حَالًا بَعْدَ حَالٍ حَتَّى تَبْلُغَ التَّمَامَ وَ الْكَمَالَ قَالَ عَ أَوَّلُ ذَلِكَ تَصْوِيرُ الْجَنِينِ فِي الرَّحِمِ حَيْثُ لَا تَرَاهُ عَيْنٌ وَلَا تَنَالُهُ يَدٌ وَ يَدْبُرُهُ حَتَّى يَخْرُجَ سَوِيًّا مُسْتَوْفِيًّا جَمِيعَ مَا فِيهِ قَوَامُهُ وَ صَلَاحُهُ مِنَ الْأَحْشَاءِ وَ الْجَوَارِحِ وَ الْعَوَامِلِ إِلَى مَا فِي تَرْكِيبِ أَعْضَائِهِ مِنَ الْعِظَامِ وَ اللَّحْمِ وَ الشَّحْمِ وَ الْعَصَبِ وَ الْمَخِّ وَ الْعُرُوقِ وَ الْغَضَارِيفِ فَإِذَا خَرَجَ إِلَى الْعَالَمِ تَرَاهُ كَيْفَ يَنْمُو بِجَمِيعِ أَعْضَائِهِ وَ هُوَ ثَابِتٌ عَلَى شَكْلِ وَ هَيْئَةٍ لَا تَتَزَايِدُ وَ لَا تَنْقُصُ إِلَى أَنْ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ إِنْ مَدَّ فِي عَمْرِهِ أَوْ يَسْتَوْفِي مَدَّتَهُ قَبْلَ ذَلِكَ هَلْ هَذَا إِلَّا مِنْ لَطِيفِ التَّدْبِيرِ وَ الْحِكْمَةِ».

ربو

جاری بودن آموزه‌های فقهی در زندگی اسلامی سبب شده نگاه ما نسبت به این واژه بیشتر جنبه اقتصادی آن را دربرگیرد؛ در صورتی که واژه «ربو» از دیگر واژگان معادل‌نمای Development باشد؛ یکی از روایاتی که برداشت برخی جنبه‌های رشدی از آن می‌شود، حدیث شریف نبی گرامی اسلام است:

«كَيْفَ بَكُمُ إِذَا لَبَسْتُمْ فِتْنَةً يَرَبُّو فِيهَا الْوَلِيدُ وَيَزِيدُ فِيهَا الْكَبِيرُ»^۱.

چگونه خواهید بود هنگامی که فتنه‌ای شما را بپوشاند که خردسالان در آن بزرگ می‌شوند و بزرگسالان رشد می‌کنند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این واژه تنها گویای جنبه مثبت رشد می‌باشد، در صورتی که در اصطلاح تخصصی لزوماً جنبه تورمی مد نظر نیست و در برخی موارد مراد صرفاً تحوّل است بدون آنکه تورم و مثبت بودن رخ داده باشد مثل جایی که فرد مسن پیر می‌شود از لحاظ فیزیکی رو به افول می‌گذارد، ولی با این وجود از آن تعبیر به رشد می‌شود همچنان که در این روایت به رشد دوران کودکی اطلاق می‌گردد همچنین از سیاق کلام بر می‌آید این روایت تنها به جنبه فیزیکی رشد نظر دارد. لذا دایره معنایی این واژه فاصله بسیاری با مرکز معنایی مد نظر دارد.

این معنا را می‌توان از تعبیر خلیل بن احمد و دیگران^۲ نیز به دست آورد؛ که در ذیل این واژه، رشد تورمی اشیاء همچون زخم و اموال را از معانی ربا برمی‌شمرد؛ همچنین در مورد رشد غیر اختیاری همچون زمین مرتفع، ربوه اطلاق می‌شود^۳؛ آیه شریفه ۵ سوره حج نیز شاهد بر این معناست:

...وَوَاتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ

بَهيج.

با این وصف وقتی با احادیثی همچون روایت ذیل مواجه می‌شویم، معنی رشد تورمی از آن برداشت می‌شود.

«وَقَالَ ص ثَلَاثَةٌ يَفْرَحُ بِهِنَّ الْجِسْمُ وَيَرَبُّو الطَّيِّبُ وَ لِبَاسُ اللِّينِ وَ شَرْبُ الْعَسَلِ»^۴.

۱. کتاب سلیم بن قیس الهلالی؛ ج ۲؛ ص ۷۱۹.

۲. لسان العرب، ج ۱، ص: ۸۲.

۳. کتاب العین، ج ۸، ص: ۲۸۴.

۴. طب النبوی (ص)؛ ص ۲۵.



تحوّل

عبارت «روانشناسی تحوّل» از جمله عناوینی است که برخی از روانشناسان ایرانی در مقابل «Developmental Psychology» قرار داده‌اند. اما این واژه همواره به معنی سپری شدن مراحل نیست، بلکه در بسیاری از موارد این واژه به معنی «روی گرداندن» است. به عنوان مثال امام باقر ع در روایتی از تنهایی نهی کرده می‌فرماید:

«لَا تَكُنْ وَحْدَكَ تَحَوَّلَ عَنْهُ يَا مَيْمُونُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ أَجْرًا مَّا يَكُونُ عَلَى الْإِنْسَانِ إِذَا

كَانَ وَحْدَهُ»^۱.

تنها مباش و از تنهایی روی گردان باش. ای میمون! وقتی انسان تنها است، شیطان با جرأت‌تر است.

اما در برخی موارد این واژه گویای رشد مرحله به مرحله انسان است؛ که حتی رشد جنینی انسان را نیز در بر می‌گیرد، همچون روایت امام سجاده که تحول جنین از حضرت پرسیده می‌شود و آن حضرت این تحول را مربوط به بعد روحانی انسان معرفی می‌کند.^۲

با توجه به اینکه در این روایت از طرفی به رشد انسان در رحم اشاره دارد، گویای رشد فیزیکی است و از طرفی چون اشاره به حالات روحی فرد دارد به ابعاد دیگر رشد انسان متوجه می‌کند. این واژه هرچند بار معنایی «بلوغ» را به همراه دارد، ولی زمان در آن لحاظ شده است.

۱. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۶؛ ص ۵۳۴.

۲. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۷؛ ص ۳۴۷. «قُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ تَحَوَّلَهُ فِي بَطْنِهَا إِلَى حَالِ أَبْرُوحَ كَمَا كَانَ ذَلِكَ أَوْ بَعِيرِ رُوحٍ؟ قَالَ بَرُوحٌ عَدَا الْحَيَاةَ الْقَدِيمِ الْمَنْقُولِ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ وَ لَوْ لَأَنََّّهُ كَانَ فِيهِ رُوحٌ عَدَا الْحَيَاةَ مَا تَحَوَّلَ عَنْ حَالٍ بَعْدَ حَالٍ فِي الرَّحِمِ وَ مَا كَانَ إِذَا عَلِيَ مَنْ يَقْتُلُهُ دِيَةً وَ هُوَ فِي تِلْكَ الْحَالِ».



تطور

این کلمه در عصر بعد از اهل بیت وارد ادبیات عربی شده است. لذا در کلمات معصومین علیهم‌السلام ملاحظه نمی‌شود هرچند در متون جدید عربی بسیار دیده می‌شود که این واژه مقابل Development قرار داده‌اند.

زیادت

این واژه از جمله واژگان مشابهی است که در آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بسیار اشاره شده است. که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

... قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^۱

این آیه شریفه در مورد نصب طالوت جهت فرماندهی سپاه بنی اسرائیل است، که در پاسخ به شکایت بنی اسرائیل در مورد این انتصاب، پیامبر قوم این نصب را نصب الهی معرفی می‌فرماید و رشد علمی و جسمی که می‌تواند اشاره‌ای به رشد شناختی و فیزیکی او باشد از جمله علل این نصب بیان می‌گردد؛ البته برای فرماندهی یک لشکر قطعاً رشد هیجانی و اجتماعی نیز در کنار این رشد نیاز است، از این روی شاید بتوان این دو رشد را ذیل رشد علمی و فیزیکی خلاصه کرد هرچند رشد شناختی و فیزیکی از مصادیق این زیادت به شمار رفته است و می‌توان مصادیق دیگری برای آن تصور نمود.

از دیگر آیاتی که مشیر به معانی رشدگون واژه «زیادت» است، آیه معروف

زیر است:

وَ إِذِ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ^۲

آنچه که در برخی برداشت‌های اولیه از این آیه مورد غفلت واقع شده است، این است که بدون دقت در الفاظ این آیه زیادت را مربوط به نعمت تعبیر

۱. البقره ۲۴۷.

۲. ابراهیم ۷.



کرده‌اند و حتی در برخی متون ادبی با این تعبیر ذکر می‌شود که «شکر نعمت نعمت افزون کند»؛ حال آن‌که عبارت ملحوظ در این آیه عبارت «لَأَزِيدَنَّكُمْ» می‌باشد و این به معنی «قطعاً شما را زیادت می‌دهم» است، و این مطلب نشان از رشد شکرگزاران است^۱؛ با توجه به اطلاق آیه شریفه می‌توان تمام ابعاد متصوره برای «زیادت» را در این آیه مد نظر قرار داد.

در آیه ۱۷ سوره مبارکه محمد^۲ نیز تنها به جنبه رشد شناختی «زیادت» اشاره شده است؛ همچنان‌که روایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام هم مشعر به جنبه رشد شناختی «زیادت» است: **الْعَقْلُ غَرِيْزَةٌ تَزِيْدُ بِالْعِلْمِ وَ التَّجَارِبِ**.^۳

یعنی عقل غریزه‌ای است که با علم و تجربه رشد می‌کند. در نقطه مقابل در روایتی از امام رضا ع این واژه در مورد رشد فیزیکی به کار برده شده است:

وَأُرْوَى أَنَّهُ لَوْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْبَدَنِ لَكَانَ الْعَمَزُ يَزِيدُ وَاللَّيْنُ مِنَ الثِّيَابِ وَ كَذَلِكَ الطَّيْبُ وَ دُخُولُ الْحَمَامِ وَ لَوْ غَمَزَ أَلْمِيَّتُ فَعَاشَ لَمَا أَنْكَرَتْ ذَلِكَ.^۴

بنا به روایتی که ذیل واژه «ربو» آمد، در مورد واژه «زیادت» نیز همین تنگ بودن دایره معنایی نسبت به معنای مورد نظر وجود دارد که البته گویای رشد فیزیکی بزرگسال است.

با این تعبیر می‌توان گفت این واژه در متون دینی در تمام ابعاد رشد به کار رفته است، البته همواره با جهت مثبت در این واژه وجود داشته است.

نضج

این ماده تنها یکبار در قرآن در آیه ۵۶ سوره نساء ذکر شده است، که آن هم به معنی برشته و کبابی شدن است همان‌طور که ابن فارس در معنی این واژه ذکر

۱. تفسیر نور، ج ۴.

۲. وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَ آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ.

۳. عیون الحکم و المواعظ (للشیخ)؛ ص ۵۲.

۴. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا(ع)؛ ص ۳۴۶.



می‌کند «این ماده دلالت می‌کند بر رسیدن به نهایت حالت در پخته شدن چیزی، بعدها این واژه در مورد رسیده شدن در طول استحکام اشیاء استعاره شده است مثل نضج خرما و پوست».^۱ در روایات هم هر دو معنی ملاحظه می‌شود؛ همچون روایت «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَانَ عِنْدَ فَاطِمَةَ عَ شَعِيرٌ فَجَعَلُوهُ عَصِيدَةً، فَلَمَّا انْضَجُوهَا»^۲ که معنای کبابی شدن را دارد، اما روایاتی همچون روایت زیر دال بر معنی «رسیدن و استحکام» دارد:

فِي الصَّيْفِ يَحْتَدِمُ الْهَوَاءُ فَتَنْضِجُ الثَّمَارُ.^۳

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا أُدْرِكَ الرُّطْبُ وَنَضِجَ ذَهَبَ ضَرَرُ الْبَادِئِجَانِ.^۴

همانطور که ملاحظه می‌شود این واژه در بردارنده معنی رشد نباتی است، که

خارج از بحث ماست.

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص: ۴۳۷.

۲. تفسیر القمی؛ ج ۲؛ ص ۳۹۸.

۳. توحید المفضل؛ ص ۱۲۹.

۴. المحاسن؛ ج ۲؛ ص ۵۲۵.

نتیجه‌گیری

برای یافتن بهترین معادل برای واژه Development که در روان‌شناسی رشد مورد استفاده قرار می‌گیرد، باید واژگانی را که در کتب لغت به عنوان معادل برای این واژه ذکر شده است با ابعاد رشد مورد بررسی قرار داد، تا میزان رابطه هر واژه‌ای به دست آید و نزدیکترین واژه به عنوان معادل معرفی گردد:

واژه مشابه	غیر معنای رشدی	رشد شناختی	رشد هیجانی	رشد اجتماعی	رشد فیزیکی	معنی مثبت	جمع‌بندی
رشد	هدایت	✓	×	✓	✓	✓	۵۰
نمو		×	×	×	✓	✓	۱۳
نشوء		×	×	×	✓	✓	۱۳
بلوغ	رسیدن	×	×	×	✓	×	۱
ربو		×	×	×	✓	✓	۱۳
تحول	روگردانی	✓	✓	✓	✓	×	۸۸
تطور	---	---					--
زیادت		✓	✓	✓	✓	✓	۸۸
نضج	کبابی شدن	×	×	×	✓	×	۱

حال اگر برای هر یک از ابعاد ضریب خاصی را در نظر بگیریم و در مقابل، برای داشتن معنای معادل دیگر و همچنین صرف معنی مثبت داشتن ضریب ۱۲ از آن کاسته شود، جمع‌بندی بالا نمره‌ای از ۱۰۰ را به دست خواهد داد. که با این وصف دو واژه زیادت و تحول نزدیکترین معنا به واژه Development را دارند؛ که البته هر یک از این دو واژه می‌توانند برخی از ابعاد رشد را بهتر بیان کنند.

فهرست منابع

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، مهج الدعوات و منهج العبادات، ۱ جلد، دار الذخائر - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۱ ق.
۲. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ۵ جلد، مؤسسه بعثه - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۴ ش.
۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ۲ جلد، دار الکتب الإسلامیة - قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۱ ق.
۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ۱ جلد، دفتر تبلیغات - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۶۶ ش.
۵. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، ۱ جلد، بیدار - قم، ۱۴۰۱ ق.
۶. شرفی، محمدرضا، مراحل رشد و تحول انسان (به ضمیمه مقدمه‌ای بر دیدگاه اسلام در مورد رشد)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۲، پاییز ۱۳۶۶.
۷. شعاری نژاد، علی اکبر، روان‌شناسی رشد، اطلاعات، چ ۹، ۱۳۷۹.
۸. شعاری نژاد، علی اکبر، فرهنگ توصیفی علوم رفتاری/ شناختی، تهران: اطلاعات، چ ۱، ۱۳۹۱.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵، ۱۳۷۴.
۱۰. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القدیمة)، ۲ جلد، انتشارات رضی - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۱۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۲ جلد، دار الکتب - قم، چاپ: سوم، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامیة)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للثی)، ۱ جلد، دار الحدیث - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.
۱۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. مستغفری، جعفر بن محمد، طبّ النبی صلی الله علیه و آله و سلّم، ۱ جلد، مکتبۀ الحیدریة - نجف، چاپ: اول، ۱۳۸۵ ق.
۱۷. مصباح، علی و دیگران، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، سمت، چ ۱، ۱۳۷۴.
۱۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱، ۱۳۶۸.
۱۹. مفضل بن عمر، توحید المفضل، ۱ جلد، داوری - ایران؛ قم، چاپ: سوم، بی تا.



۲۰. منسوب به علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ۱ جلد، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق.
۲۱. نیکزاد، محمود، فرهنگ جامع روان شناسی انگلیسی فارسی، تهران، شرکت انتشارات کیهان، چ ۱، ۱۳۹۰.
۲۲. وجدانی، فاطمه؛ ایمانی، محسن؛ تحلیل مفهوم «رشد» با تکیه بر آیات قرآن کریم، مجله: پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی» پاییز ۱۳۹۱ - شماره ۱۶ علمی-پژوهشی/ISC (۲۶) صفحه - از ۱۱ تا ۳۶).
۲۳. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ۲ جلد، الهادی - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۰۵ ق.